

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کارکنان و همکاران خروش رعد

۲۷ اپریل ۲۰۲۵

جنایات ۷ و ۸ ثور و تبعات تاکنونی آن

در تاریخ معاصر کشور و در حافظه جمعی مردم ستمکش افغانستان ۷ و ۸ ثور نماد جنایت و خیانت شمرده می شود که در تکامل و تداوم خود، میلاد رویداد های فاجعه بار ۶ جدی، ۷ اکتوبر و ۱۵ اگست را در پی داشته و تا حال پیامد های غم انگیز آن ابعاد زندگی مردم ستمکش افغانستان را درنور دیده و زیر و رو کرده است.

از تاجپوشی غلامان "خلقى - پرچمى" امپریالیسم روسی در هفتم ثور ۱۳۵۷ش تا حال، بیش از چهار و نیم دهه و از سرازیر شدن لشکر جرار اخوانی جهادی در هشتم ثور ۱۳۷۱ حدود سه و نیم دهه می گذرد. در پیامد ۷ و ۸ ثور دو نوبت اشغال سوسیال امپریالیستی/امپریالیستی، جنگ قدرت جهادی ها و دو نوبت سلطه و سبعیت امارت طالبانی و تبعات ویرانگر و دردناک این فجایع خونین بر زندگی مردم افغانستان سایه انداخته است.

کودتای خونین مزدوران و دلالان روس اشغالگر با استبداد و اختناق فاشیستی نودولتان کودتاگر، همه طبقات و اقشار اجتماعی جامعه ما را به مبارزه و مخالفت علیه رژیم کودتا و ارباب استعمارگرش فراخواند که بزودی پای خرس قطبی و ماشین جنگی آن به افغانستان کشیده شد. ورود هیولای روسی و شرکاء به معرکه، مصاف ضد استعماری مردم آزادیخواه افغانستان در برابر اراده استعماری تراران نوین را توأم با خیانت "خلق و پرچم" و جنایات جنگی آن اشغالگران و مزدوران و مصائب بی شمار و قربانی بی همتای مردم را در پی داشت.

فرجام آن مصاف خونین در معرکه افغانستان، شکست مفتضحانه روس اشغالگر و رسوائی بردگان "خلقى - پرچمى" شان در سطح ملی و بین المللی در برابر اراده آزادیخواهانه مردم سلحشور و به پا خاسته افغانستان و حمایت گسترده جهانی از آن، بود.

آن مصاف خونین بود. خرس متجاوز قطبی در حین ناله از "زخم خونچکان" بر پیکرش، چنان از فراز "پل دوستی" راه فرار را در پیش گرفت که به عقب نگاه نکرد. عوامل شکست ستراتیژیک استعمارگر روسی در افغانستان و تجزیه و سقوط دولت پوشالی محصول تجاوز آنان، متعدد است: درونی و بیرونی، ولی مقاومت مردم دلیر افغانستان عامل اساسی آن شکست تاریخی روس اشغالگر محسوب می شود.

با وجود هزیمت تاریخی اشغالگران شوروی و مزدوران بی مقدار شان؛ در این مصاف "مردم این سرزمین با وجود پرداختن بهای گزاف آزادی، به آزادی واقعی خود نرسیدند، بلکه ارتجاع اخوانی پناه برده و خفته در آغوش ارتجاع منطقه و امپریالیسم غرب، تربیت و تسلیح گردیدند و سیل آسا کمک های مادی - تسلیحاتی و حمایت سیاسی اربابان

استعمارگر غرب و ارتجاع عرب و عجم را از در تضاد و رقابت با سوسیال امپریالیسم اشغالگر دریافت کردند. جنگ کبیر ملی و میهنی کشور ما را که توسط توده های میلیونی پابرهنه و شیفته آزادی که با قربانی بی دریغ صد ها هزار جوان نامور و گمنام آزادیخواه و انقلابی پیرو اندیشه های دموکراتیک نوین و توده های خلق آغاز یافته بود، به انحراف کشیده و نتایج جنگ را در پای خوکان امپریالیست، شیوخ عرب و دول و محافل ارتجاعی منطقه ریختند.

بعد از شکست تاریخی روس اشغالگر دهاره های وابسته و مزدور اخوانی جهادی با حمایت همه جانبه امپریالیسم و ارتجاع با ربودن ثمرات مبارزه مردم افغانستان، با بقایای مزدوران روس بر مقدرات مردم و کشور ما حاکم گردیدند. جنگ ویرانگر قدرت، جنایت و سبعت "مجاهدان فی سبیل الله" و ملیشیا برای سال های متمادی در شهر ها و روستا های کشور مخصوصاً شهر کابل ادامه یافته دار و ندار ما را خاک و خاکستر ساخت. این ریاکاران جهادی و سپس طالبی خودفروخته تحت نام اسلام ناب محمدی آن قدر جنایت کردند که قلم از نوشتن آن شرم دارد. جنگ قدرت، بربادگری و جنایت تراز فاشیستی اسلامیست های جهادی و گروه ملیشیا و سپس طالبان به عنوان امتداد منافع متضاد بیرونی، زمینه ساز رسیدن گروه مزدور طالبان به کمک و مدیریت استعمار - ارتجاع بر سریر امارت شد. ستم و سیطره تراز فاشیستی طالبان در دور نخست، در آغاز قرن بیست و یکم زمینه واژگونی نظام خودساخته دره و شلاق مزدوران طالبانی ساخته شده توسط دول غربی و پاکستان، را مساعد ساخت. آن حاکمیت خونین و خشن نوع طالبانی ضمن ناکامی در امر تحقق خواسته های اربابان غربی و پاکستانی اش، بهانه ای شد برای تجاوز و اشغالگری امپریالیسم جنایتکار غربی به سرکردگی امریکا در همکاری با بخشی از گروه های اخوانی و ملیشیا (جمعیت - شورای نظار، گلم جم، بقایای تنظیم سیاف، بقایای حزب وحدت، تعدادی از تکنوکرات ها، روشنفکران تسلیم طلب و مزدوران مدنی) در نقش پیاده نظام و رهنمای امپریالیسم اشغالگر به درون کشور در اکتوبر سال ۲۰۰۱ میلادی.

اشغال نظامی امپریالیستی افغانستان توسط امریکا - ناتو با همه مصائب، رنج و ستمش حدود بیست سال بر دوش خسته مردم افغانستان سنگینی کرد. طی این دو دهه اشغالگری، امپریالیسم علاوه از ستمگری مستقیم، توسط باند های ارتجاعی و مزدورش مثل (ستمگران جهادی - ملیشیا، طالبان، داعش و تکنوکرات های فعلاً فراری) و دولت مزدور "کرزی - غنی" هولناک ترین جنایات ضد بشری را در حق مردم ستمدیده ما مرتکب شد. در این وطن فروشی و خودفروشی سران دولت پوشالی و مزدوران مدنی و رهبران احزاب تسلیم طلب علیه مردم و منافع ملی در صف اشغالگران، مرتکب خیانت ملی شدند که تا ابد بر جبین شان حک شده است.

امپریالیسم اشغالگر در اوج نفرت و انزجار مردم آزاده افغانستان از اشغالگران و مزدوران پوشالی و تسلیم طلب خیانت پیشه، پس از تحمیل و تحمل هزینه گزاف آن اشغالگری، در آخر کار تحت فشار های چندجانبه داخلی و خارجی و در نتیجه ناکام ماندن تلاش شان برای قبولاندن سلطه، سیاست ها و برنامه های استعماری شان بر مردم آزاده افغانستان به کمک ماشین مهیب جنگی؛ کوشیدند برای کاستن از تلفات انسانی، فشار نظامی، مصارف لوژستیک و هزینه مالی؛ حضور اشغالگران مستقیم خود را در افغانستان به سود اولویت های دیگر کاهش داده و از خشم و انزجار مردم کشور های خود بکاهند. در پایان اشغال حدود چهار سال قبل که شکست ستراتیژی اشغالگران توأم با رسوائی جهانی امپریالیسم مسلم شد، امپریالیسم جنایتکار امریکا و شرکاء مسأله استقلال و حاکمیت ملی کشور ما را همراه با سرنوشت ملی و اجتماعی مردم افغانستان طی دسیسه ای استعماری - ارتجاعی، به دست مزدوران نیابتی مرتجع طالبانی شیفته قدرت سپرده و با حمایت همه جانبه پیدا و پنهان، امارت اسلامی دار و تازیانه آن را در زندانی به نام افغانستان تا اکنون سر پا نگه داشته است.

در این میان دهاره های بدنام اخوانی تاریک اندیش پس از شکست اندیشه های اخوانی و استحاله فکری شان، به سمت قوم و قبیله روی گشتانده و جوانان ناآگاه را مصروف قوم، زبان، سمت، و دین و مذهب و وسیله رسیدن شان به قدرت ساخته اند. جهادی های مرتجع با طالب از نگاه فکری، موضع طبقاتی و وابستگی کامل آنها به امپریالیسم و ارتجاع، فرقی نداشته و سر و ته یک کرباس اند و شیفته قدرت. تسلیم طلبان فراری در فتنه انگیزی، خیانت و شقاوت کمتر از اخوانی ها نیستند. اینان همه و همه خادمان امپریالیسم و ارتجاع اند، باید این قماش مزدوران خیانتکار و ریاکار را که با استتار چهره و استناد دروغین به بزرگان راه انقلاب و آزادی، سالوسانه در سنگر مبارزه دموکراتیک خزیده اند، در همه جا شناسائی و افشاء کرد. نباید فریب آنها را بخوریم و به خواست پلید این مزدوران لیبیک بگوئیم.

آزادی وطن و هموطن تحت ستم و اجحاف چند لایه دلالان و مزدوران قلاده به گردن نو به قدرت رسیده از جنس طالبی، ارتجاع جهادی، جنگسالاران، دلالان تکنوکرات فراری، فتنه انگیزی باند ها و سران تسلیم طلب خفته در آغوش امپریالیسم و ارتجاع و ستمگری نواستعماری امپریالیسم در گرو بیداری و انسجام مبارزاتی و مبارزه متشکل مردم افغانستان حول یک برنامه مدون شفاف ضد ارتجاعی - استعماری خلق زحمتکش ما با پیشتازی و پیشگامی نیروی منسجم انقلابی و ملی - دموکرات میسر است. باید با کسب خودآگاهی ملی و اجتماعی از موضع قاطع انقلابی و آزادیخواهانه، مبارزات دموکراتیک و ملی استوار را در پیش گیریم تا به سرنوشت خود حاکم گردیم.

- مرگ بر امپریالیسم، سوسیال امپریالیسم و نوکران خیانت پیشه هر دو!

- در اهتزاز باد درفش مبارزه علیه ارتجاع، استثمار، ستم و استعمار!

کارکنان و همکاران خروش رعد

۷ ثور ۱۴۰۴ هجری شمسی